

واکاوی نقش ژئوپلیتیک ناپایدار ایران بر اقتصاد سیاسی کشور

بهادر زارعی* و سیدمهدی موسوی شهیدی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۱۱۱-۱۳۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

پژوهش حاضر به دنبال بررسی ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون ایران بر اقتصاد ملی است. موقعیت ژئوپلیتیک، وضعیت چهارراهی، قلمروهای خشک نیمه‌بیابانی پیرامون، دغدغه‌های امنیتی نسبت به کشورهای هم‌جوار، انواع کشمکش‌های داخلی طی قرن‌های متوالی، کشور را در بی‌ثباتی امنیت ملی قرار داده و اقتصاد کشور را که توسعه آن نیازمند به ثبات و پایداری است از آن محروم کرده و یکی از دغدغه‌های پایدار حکمرانان ایران از گذشته‌های دور به ویژه دو سده اخیر تفکر امنیت‌محوری در حکمرانی بوده است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌های لازم برای نگارش و تحلیل، کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر داخلی و خارجی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقتصاد ایران طی قرن‌های متوالی به‌ویژه سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی درگیر یک مشکل بنیادین و مداوم به نام ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون بوده و دولتمردان نتوانسته‌اند امنیت ملی پایدار را در کشور ایجاد کنند. ناپایداری امنیت و ناتوانی حکومت‌ها برای فائق آمدن بر آن باعث ایجاد هزینه‌های زیاد امنیتی، اقتصادی و سیاسی برای کشور شده است. اگرچه ایران همواره با چالش ژئوپلیتیک ناامنی پیرامون و انواع نزاع‌های درونی مواجه بوده، اما این چالش طی دو سده اخیر که کشورها مشغول ساخت اقتصاد ملی بوده‌اند مانع شکل‌گیری شرایط مطلوب برای اقتصاد ملی بوده است. می‌توان گفت بزرگ‌ترین چالش دیروز و امروز ایران تسلط گفتمان امنیتی بر گفتمان اقتصادی است و این معضلی مهم برای فرایند توسعه کشور به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک؛ اقتصاد سیاسی؛ ناپایداری اقتصادی؛ وضعیت سیاسی ایران؛ قلمرو پیرامون ایران؛ گفتمان امنیت‌محور

* دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: b.zarei@ut.ac.ir

** استادیار گروه ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا (دافوس)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR--2109-4831

مقدمه

در میان واحدهای سیاسی جهان کشوری را نمی‌توان یافت که به اندازه ایران متأثر از ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون و درون خود باشد. تاریخ سیاسی سی سده ایران نمایانگر نبود امنیت در پیرامون و درون کشور بوده و زمینه‌ساز ناپایداری سیاسی و اقتصادی را برای ایران فراهم کرده است. ایران در طول ۲۵۰۰ سال حکومت در قلمرو جغرافیایی‌اش به‌طور متوسط هر پنج‌ونیم سال یک‌بار با جنگ روبه‌رو بوده و در این مدت ۱۲۰۰ بار یا جنگ بر کشور تحمیل شده یا به جنگ با متجاوزان رفته است. در مقابل اروپا از رنسانس تا جنگ جهانی اول در امنیت و آرامش به سر برده و توانسته است آرام‌آرام نظام اقتصادی دلخواه خود را بنا کند و در این مدت اصلاحات لازم برای پویایی آن انجام دهد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ژئوپلیتیک ناپایدار ایران چه تأثیری بر نظام اقتصادی کشور طی این مدت داشته است. اگر چالش‌ها و ناپایداری‌های ژئوپلیتیکی پیرامون ایران در دوره اخیر مانند جنگ‌های داخلی انقلابیون مشروطه‌خواه، تغییر حکومت، تغییر پادشاهی‌ها، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، ملی شدن صنعت نفت، حوادث دهه چهل و پنجاه، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، انواع تحریم‌ها، چالش هسته‌ای و حضور آمریکا، اسرائیل و ناتو پیرامون مرزهای ایران و ... بر شماریم بخش مهمی از دلایل بی‌ثباتی داخل و خارج و بی‌ثباتی نظام سیاسی و نظام اقتصادی مشخص می‌شود و اینکه چرا ایران نتوانسته است مانند اروپا و آمریکا اقتصاد ملی خود را سامان دهد و کشور را در فرایند توسعه قرار دهد، متوجه این واقعیت می‌شویم.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ایران و اثر آن بر اقتصاد

ایران همراه با چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. اگر دولت مردان ایران تنها همین واقعیت ژئوپلیتیکی را عمیقاً درک می کردند، در رفتار درازمدت استراتژیک آنها دگرگونی‌های عمیقی به وجود می آمد. ایران با پانزده کشور مستقل و ۲۴ دولت، همسایه است. ایران از جنوب با دولت - ملت‌های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان، و از غرب با ترکیه و عراق هم‌جوار است. ایران در شمال نیز با جمهوری‌های خودمختار داغستان، نخجوان و کالمیک و در جنوب با ۶ امیرنشین از ۷ امیرنشین تشکیل دهنده امارات متحده عربی یعنی ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام‌القوین و رأس‌الخیمه همسایه است. استفاده از استعداد بسیار بزرگ و در واقع بی نظیر ایران در گسترش روابط فضایی بین نواحی، با وجود حجم متوسط و تعداد همسایگان زیاد، در کانون توجه دولت‌ها قرار نداشته است. چنین موقعیتی، فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده که به‌طور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه‌جانبه هستند. در واقع ایران با استفاده از موقعیت مرکزی و کانونی خود، می‌توانست کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای باشد. این در حالی است که تعدد کشورها و دولت‌های هم‌جوار حاشیه ایران، تنها زمینه افزایش ظرفیت‌های تنش‌های ژئوپلیتیکی را فراهم آورده است. یکی از دلایل ناکامی، ناپایداری ژئوپلیتیکی دولت - ملت‌های هم‌جوار ایران بوده است. مهمترین ویژگی‌های دولت‌های همسایه ایران که بر ژئوپلیتیک پیرامونی ایران تأثیرگذارند عبارت‌اند از: ناپایداری دولت‌ها، توسعه‌نیافتگی کشورهای همسایه، تراکم دولت‌های ایدئولوژیک، تنگناهای ارتباطی، کثرت نظام‌های غیردمکراتیک پیرامونی،

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تعدد دیدگاه‌های ژئوپلیتیک. این چشم‌انداز به موازات تداخل علاقه‌ها و منافع این ملت‌ها در یکدیگر و اندک بودن تعاملات تجاری و اقتصادی درونی بر پیچیدگی اوضاع سیاسی و اقتصادی پیرامون ایران افزوده است. چنین وضعیتی باعث بالا رفتن ظرفیت‌های بالقوه تنش و کاهش ضریب‌های امنیتی درازمدت شده و کشور را به سمت تأمین امنیت سوق داده است (کریمی پور، ۱۳۸۴: ۳۱-۲۳).

در کنار ویژگی‌های کشورهای همجوار باید بر نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری ژئوپلیتیک پیرامون ایران اشاره کرد که بر ساختار اقتصادی کشور تأثیرگذار بوده است. به این صورت که با فروریختن نظام جهانی دوقطبی در دهه ۱۹۹۰ میلادی که منجر به از بین رفتن موازنه ژئوپلیتیک جهان شد؛ ایالات متحده آمریکا را تشویق کرد تا در راه چیره شدن بر جهان سیاسی تلاش کند. تلاشی که این قدرت را در منطقه استراتژیک خاورمیانه با ایران به لحاظ اهمیت و موقعیت خاص ژئوپلیتیک و فضای کنونی این کشور رودررو کرده است. حاصل این رودرویی تصمیماتی بود در زمینه محاصره اقتصادی - استراتژیک و چالش‌های گسترده سیاسی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران، چنان‌که علاوه بر تحریم اقتصادی، از طرف شمال با ایجاد بحران در (دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی) مانع عبور لوله‌های نفتی و گازی منطقه از ایران شد که این امر خسارت‌های متعددی بر منافع ملی و اقتصاد ایران وارد کرده است؛ از سوی جنوب (خلیج فارس و عراق) روابط ایران با همسایگان بدون اعتماد لازم شد عراق به ایران حمله کرد و هشت سال جنگید و امارات متحده عربی مالکیت و جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را ادعا کرد و از سوی خاور (پاکستان و افغانستان) شیعه‌کشی در پاکستان رونق گرفت. به دنبال آن آمریکا در دشمنی‌های ویژه‌اش با ایران مسائل عمده‌ای از جمله بحران هسته‌ای و نیز بی‌اعتمادی هماهنگ بسیاری از کشورها در تعاملات بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران را دامن زد (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۹۸).

در کنار حضور آمریکا در محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ایران باید به فعالیتهای ناتو و اسرائیل نیز اشاره کرد. اسرائیل با فعالیتهای خود در مناطق همجوار ایران سعی کرده فعالیتهای کشور را به ویژه در مسئله هسته‌ای تحت کنترل درآورد و فشار را افزایش دهد تا بتواند در موقعیت بحرانی بیشترین فرصت را برای خود فراهم آورد. ناتو نیز به شکل سازمان‌یافته در آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان، عراق، پاکستان و کشورهای جنوبی خلیج فارس به ویژه عراق فعالیت می‌کند. گسترش ناتو به شرق همانند بازیگر غیرمستقیم دیگر یعنی اسرائیل در شکل‌گیری ساختار ژئوپلیتیکی پیرامون ایران اثرگذار بوده است (غریباق زندی، ۱۳۸۷: ۲۳).

۲. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر بنا به اهمیت موضوع در شرایط کنونی، تحلیلی - توصیفی و درعین حال بهره‌گیری از قیاس در مقیاس ایران در قالب ژئوپلیتیک ناپایدار و تأثیر آن بر توسعه اقتصاد کشور بوده است. جمع‌آوری اطلاعات و مستندات این پژوهش کتابخانه‌ای، آمار و ارقام و تجزیه و تحلیل‌های لازم از سایت‌های معتبر بین‌المللی، منابع مهم و متون علمی در حوزه ژئواکونومی، ژئوپلیتیک، اقتصاد ملی و همچنین از نظرات اساتید صاحب‌نظر برای تحلیل واقعیت مشترک ژئوپلیتیکی و اقتصاد ملی استفاده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. ژئوپلیتیک ناپایدار ایران و چالش‌های برخاسته از آن

ایران در طول تاریخ سی‌سده حیات خود به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک ناپایدار و ویژگی چهارراهی که همواره با آن مواجه بوده در وضعیت بلا و بحران‌خیزی قرار

داشته و از چهارسو مورد تاخت و تاز مهاجمان و کشورگشایان بوده، همواره مهمترین دغدغه خود را تأمین امنیت سرزمینی و ملی می‌دانسته و به دلیل موقعیت جغرافیایی مطلق و نسبی بحران و بلاخیزش در این منطقه ژئوپلیتیکی ناپایدار، پرمخاطره و همواره لرزان نتوانسته به حل مشکلات امنیت ملی دست یابد. از این رو فضای ذهنی نخبگان سیاسی و دولت‌مردان همچنان در شرایط ناپایدار و متزلزل در موقعیت امنیتی باقی‌مانده و روزگار را تاکنون این‌گونه سپری کرده و بعید به نظر می‌رسد در دوره جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت نظام سیاسی ایران و موقعیت ناپایدار ژئوپلیتیکی پیرامونی آن راهبرد دیگری را فراروی حیات سیاسی آن با توجه به دشمنان دور و نزدیکش متصور بود (زارعی، ۱۴۰۰: ۳۰۸).

می‌توان گفت چالش امنیتی ایران ریشه در ژئوپلیتیک تاریخی سی قرن کشور دارد. زرین کوب خاطر نشان می‌کند: موضع میانه‌ای که فلات ایران در بین سرزمین‌های آسیای صغیر دارد؛ واقع شدنش بین دره سند و دره فرات، اینکه در ماورای دریای شمالی آن یعنی دریای خزر - با دنیای اسلاو، تاتار و اقوام سکایی و در فراسوی دریای جنوب - خلیج فارس و دریای عمان - با دنیای هند و عرب مربوط می‌شود؛ اینکه بلندی‌های غربی آن در امتداد زاگرس آن را از شمال با کوه‌های قفقاز و آرارات، خاستگاه‌های دجله و فرات آن را با سرزمین‌های شرقی آسیای صغیر، دره فرات آن را با سرزمین سوریه و کنعان و جلگه خوزستان و بریدگی‌های زاگرس آن را با دنیای بین‌النهرین متصل می‌کند، سرنوشت این سرزمین را به‌عنوان «گذرگاه حوادث» رقم می‌زند، نقش ایران برای حفظ هویت خویش در ایجاد تعادل بین فشارهای دائم و در هجوم‌های مستمری که در شرق و غرب و شمال و جنوب به آن وارد می‌شده است، معلوم می‌کند (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۱۷).

کریمی‌پور نیز این ویژگی ژئوپلیتیکی یعنی ناامنی پایدار ایران را تأیید می‌کند و

جنگ‌های مستمر و مداوم ایران در طول حیاتش را ناشی از همین موقعیت ناپایدار و چهارراهی می‌داند. وی بیان می‌کند: ایرانیان طی دو هزار و پانصد سال تاریخ خود، در مجموع ۴۴۴ بار تجربه جنگی داشته‌اند (به‌طور متوسط هر پنج سال و نیم یک جنگ). از این تعداد ۲۳۲ حمله از بیرون به داخل فلات و ۲۱۲ حمله از داخل ایران به خارج انجام شده است. از ضلع‌های شمالی، غربی و جنوبی فلات ایران، در کل ۲۳۲ حمله به داخل ایران و ۱۸۹ حمله از داخل به خارج ایران روی داده است. به این ترتیب تعداد و حجم تهاجم‌ها به داخل ایران به مراتب بیشتر (بسیار بار) از تهاجم ایرانیان به خارج از مرزها بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

فراستخواه نیز این واقعیت تلخ ژئوپلیتیک ناپایدار ایران را تأیید می‌کند. وی می‌نویسد: «تاریخ ما پر حادثه بوده، این واقعیت جزء متواترات تاریخ ماست. تاریخ ما پر از ناامنی و ناپایداری بوده است؛ این امر در تاریخ ما به شکل نهادینه‌ای خود را نشان می‌دهد. برحسب آمار حدود ۱۲۰۰ جنگ با مقیاس بزرگ و هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است. ما سر راه اقوام و حکومت‌ها و در معرض هجوم و تجاوز پیوسته قرار داشته‌ایم و درگیر کمیابی امنیت بوده‌ایم» (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۴). ایشان ناآرامی‌های همه ادوار تاریخ ایران از جمله دوره معاصر را ردیابی کرده و می‌نویسد: در دوره قاجار فقط در ۴۱ سال دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه حدود ۱۶۹ شورش و ناآرامی به وقوع پیوست. در دوره مشروطه از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۱ بیش از پنجاه بار تغییر دولت در کشور رخ داد. از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ نوزده دولت جابه‌جا شد که به‌طور میانگین عمر هر دولت اندکی بیشتر از ۶ ماه بوده که باید امور کشور را تدبیر می‌کرد. در این دوازده سال، پنج مجلس تشکیل شد. در یک کلام طول مدت حکمرانی در ایران کم‌دوام و ناپایدار بوده است. باینکه نوع نظام سیاسی در ایران سلطنتی و مادام‌العمری بود و حتی گاه در شکم مادر

برای پادشاهان تاج‌گذاری می‌شد، متوسط دوره حکومت هر یک از حکمرانان قبل از اسلام چهارده و بعد از اسلام یازده سال بود که میل به ناپایداری مزمن و ناامنی نهادینه به‌گونه‌ای شدید و عمیق وجود داشت و یکی از هسته‌های اصلی مشکلات ایران، بی‌ثباتی، ناامنی و بی‌نظمی نهادینه بود (همان: ۱۳۰). این ویژگی تاریخی بی‌ثباتی و ناپایداری ایران مورد قبول مورخین نیز هست. شعبانی می‌نویسد: ایرانیان به تجربه متوجه شده‌اند که در کشوری بلاخیز زندگی می‌کنند و چاره‌ای جز کنار آمدن با پدیده‌های مخالف ندارند، آنها را که می‌توان از طریق توان نظامی و استعداد جنگی دفع کرد، هم از آن راه تدبیر کنند و هر آنگاه که شمشیرشان شکست، برای حفظ حریم هویت ملی، راه‌های کنار آمدن با نیروهای کور و خشن و سرکش را بیازمایند. از آنجاکه سرزمین ایران، عرصه تراحم دائمی نیروهایی بوده است که گهگاه با خشونت وحدتی ویرانگر با همه آثار مدنی برخورد می‌کرده‌اند؛ عوامل بی‌شماری که مهمترین آنها استقرار ملک در منطقه‌ای مهاجم‌پذیر و مهاجریاب بوده، این سرزمین را به سمت ناپایداری و ناآرامی می‌کشانده است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۸۵). دوگوبینو نیز می‌گوید: ایران در طول تاریخ حوادث، ناملایمات، تهاجمات، ویرانی‌ها و ویرانگری‌های بی‌شماری طی ۳۴ حکومت ایلی از مادها تا قاجار و دو حکومت غیرایلی یعنی پهلوی و جمهوری اسلامی را تجربه کرده است، اما این کشور و مردمان آن سنگ خاراایی مقاوم در برابر حوادث و بلایای پیش رو، پراراده و امیدوار به آینده بوده «که از باد و باران نیاید گزند» (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۵۷). بلای بزرگی که ایران در طول تاریخ به آن مبتلا بوده (ناپایداری ژئوپلیتیکی) است و کمتر دانای ایران‌شناسی است که به آن نپرداخته باشد و آسیب‌های سیاسی، اقتصادی و هزینه‌های امنیتی و کشورداری آن بحث نکرده باشد.

۲-۳. قلمرو خشک و ناامن پیرامون ایران منشأ تهاجمات خارجی

این واقعیت ژئوپلیتیکی امروز مورد اذعان همه ایران‌پژوهان است که جغرافیای خشک و کم‌توان و ظرفیت اقتصاد ایلی و کشاورزی ضعیف همسایگان و سرزمین‌های هم‌جوار ایران زمینه‌ساز بخشی از یورش‌ها و تهاجمات به قلمرو ایران بوده است. اگر به جغرافیای سرزمینی و طبیعی شبه‌جزیره عربستان و هفت کشوری که در همسایگی ایران قرار دارند از منظر آب، خاک حاصلخیز، کشاورزی، تأمین نیازهای معیشتی و زیستی مردم آن دیار بنگریم؛ بخشی از تهاجمات اعراب مسلمان، اقوام آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و ... به ایران بیشتر برای ما آشکار می‌شود که این امر ناپایداری سیاسی، اقتصادی و امنیت ملی را فراهم می‌کرد. ایران قرن‌ها برخلاف اروپا و آمریکای شمالی در ناامنی و ناپایداری قرار داشته، و ظرف اقتصادی کشور اجازه شکوفایی و پویایی پیدا نکرده است. به جداول مؤلفه‌های اقتصاد کشاورزی کشورهای همسایه ایران بنگرید.

جدول ۱. میانگین بارندگی سالانه، ماه‌های بارندگی و رودهای کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۲۵۰ میلی‌متر	مهر، آبان، آذر، دی، بهمن، اسفند، فروردین	۶۲ رود دائمی و صدها رود فصلی
عراق	۱۴۰ میلی‌متر	آبان، آذر، دی، بهمن	۷ رودخانه دائمی
عربستان سعودی	۱۰۰ میلی‌متر	آذر، دی، بهمن، فروردین	فاقد رودخانه دائمی
کویت	۱۰۸ میلی‌متر	آذر، دی، بهمن	فاقد رودخانه دائمی
عمان	۱۵۰ میلی‌متر	مهر، آذر، - فروردین، شهریور	فاقد رودخانه دائمی
قطر	۱۱۵ میلی‌متر	آذر، دی، بهمن	فاقد رودخانه دائمی
امارات متحده عربی	۶۵ میلی‌متر	مهر، آذر، دی، بهمن	فاقد رودخانه دائمی
بحرین	۱۰۰ میلی‌متر	آبان، آذر، دی، بهمن	فاقد رودخانه دائمی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. میزان اراضی قابل کشت و غیرقابل کشت کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۱۰ درصد قابل کشت	۹۰ درصد غیرقابل کشت
عربستان سعودی	۱ درصد قابل کشت	۹۹ درصد غیرقابل کشت
عراق	۵ درصد قابل کشت	۹۵ درصد غیرقابل کشت
کویت	۰/۳ درصد قابل کشت	۹۹ درصد غیرقابل کشت
قطر	۱ درصد قابل کشت	۹۹ درصد غیرقابل کشت
عمان	۳ درصد قابل کشت	۹۷ درصد غیرقابل کشت
امارات متحده عربی	۲ درصد قابل کشت	۹۷ درصد غیرقابل کشت
بحرین	۲ درصد قابل کشت	۹۸ درصد غیرقابل کشت

مأخذ: همان.

با توجه به جداول فوق و آنچه تا به اینجا در خصوص ریزش‌های جوی، اراضی قابل کشت و غیرقابل کشت و اقتصاد کشاورزی منطقه جنوب خلیج فارس بررسی شد نشان می‌دهد که این منطقه از ابتدای سکونت بشر تا قبل از کشف نفت و حتی امروزه پتانسیل و توان لازم برای ایجاد اقتصاد کشاورزی پویا و ساخت یک حکومت فئودالی برآمده از آن، نظیر آنچه در اروپای سده میانه رخ داد را ندارد. بنابراین اقتصاد کشاورزی از ابتدای شکل‌گیری حکومت‌های سنتی تا قبل از کشف نفت یعنی یک دهه بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه و جمیع ابعاد، توانایی تولید، مازاد محصول، انباشت ثروت و سرمایه کافی در منطقه را دارا نبوده است. از این رو بیشترین هجوم‌های نظامی و ناامن‌سازی ایران از همین قلمرو ژئوپلیتیک پیرامونی ایران صورت گرفته است. همین وضعیت در قلمروهای شمال شرق و شرق ایران نیز حاکم است. کشور ترکمنستان که در شمال شرق ایران واقع است و یکی از دروازه‌های ورودی هجوم اقوام ترک آسیای مرکزی به ایران بوده کشوری است که ۸۰ درصد آن را بیابان قره‌قروم و ۱۸/۸ درصد آن را استپ دربرمی‌گیرد، متوسط ریزش‌های جوی این کشور ۱۶۸ میلی‌متر است و چندان

مساعده برای اقتصاد کشاورزی و مناسب برای اقتصاد کوچ‌رو نیست. همین شرایط نامناسب اقلیمی و معیشتی برای قلمروداران ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان نیز وجود داشته و بسترساز یک اقتصاد کوچ‌رو را در منطقه آسیای مرکزی و در طی فرایند تاریخی حرکت به سمت ایران را فراهم می‌کرده است چرا که در شمال شرق ایران دو رودخانه هریرود و اترک قرار داشته و مساعد برای فعالیت اقتصاد کشاورزی و دامی بوده است (www.Climate Temps, 2020).

به این ترتیب ایلات به‌طور مداوم به سمت جنوب که قلمرو جغرافیایی ایران را دربرمی‌گرفته در حال کوچ، تهاجم و تصرف بوده‌اند. سه کشور آسیای مرکزی بیش از ۸۰ درصد قلمرو جغرافیای زیستی آنها را سرزمین‌های بیابانی و نیمه‌بیابانی تشکیل می‌دهد و غیر از دامداری، کشاورزی ضعیف و معدن‌کاری، قرن‌ها امکان فعالیت اقتصادی دیگری در آنها فراهم نبوده است. از آنجاکه در قلمرو جنوبی آسیای مرکزی، سرزمین ایران قرار دارد که از نظر ریزش‌های جوی سه استان گلستان (۴۷۱ میلی‌متر)، مازندران (۶۳۱ میلی‌متر) و استان گیلان (۱۰۱۹ میلی‌متر)، بیش از ۶ برابر آسیای مرکزی و جغرافیای طبیعی آن دارای بارندگی بوده و به تبع چنین بارندگی بسیار سرسبز و مستعد است. سه استان هرات، نیمروز و فراه افغانستان که در همسایگی شرق ایران قرار دارند؛ متوسط ریزش‌های جوی سالیانه آنها حدود ۶۰-۷۰ میلی‌متر است که شرایطی بدتر از آسیای مرکزی را نشان می‌دهد. قلمرو پهناور شرق و شمال شرق ایران از نظر جغرافیای طبیعی و آب‌وهوای حاکم بر منطقه مستعد کوچ و حمله به سمت مرزهای همجوار ایران بوده است. این مسئله زمینه‌ساز ناپایداری و درگیری پیوسته ایران با ژئوپلیتیک ناامن پیرامونش؛ مانع سکون، آرامش و امنیت ملی و شکل‌گیری یک اقتصاد ملی پویا در پناه یک جامعه امن از درون و برون را محقق می‌کرد. طباطبایی می‌گوید: «یکی از مهمترین ایرادهای گروه‌های

بزرگ از کسانی که در دوره‌هایی از تاریخ ایران بر سرزمین و مردم آن فرمان رانده‌اند، این بوده است که چیز چندانی درباره ویژگی‌های کشوری که بر آن فرمان می‌رانده‌اند نمی‌دانسته‌اند. در تاریخ ایران کم نبوده‌اند «خربندگانی» که به امیری رسیدند یا «فرزندان شمشیری» که با قتل و غارت بر تخت سلطنت تکیه زدند و تا برآمدن خربنده‌ای و فرزند شمشیری دیگر آنچه در توان داشتند بر رعیت خود بی‌رسمی‌ها کردند. اما ایران پیوسته در معرض وزیدن باد بی‌نیازی خداوند بود و بسیار اتفاق می‌افتاد که سامان سخن گفتن نبود، اما سرو ایران در برابر وزیدن این بادها سر خم می‌کرد، ولی نمی‌شکست» (طباطبایی، ۱۳۹۸).

کاتوزیان دو جامعه امن اروپا و ناامن ایران را با یکدیگر از منظر اقتصادی مقایسه می‌کند. او می‌نویسد: ایران برخلاف جامعه درازمدت اروپا جامعه‌ای کوتاه‌مدت بوده است. در این جامعه تغییرات «حتی تغییرات مهم و بنیادین» اغلب عمری کوتاه داشته است. بی‌تردید این نتیجه فقدان یک چارچوب استوار و خدشه‌ناپذیر قانونی است که می‌توانست تداومی درازمدت را تضمین کند. در کوتاه‌مدت حضور طبقات لشکری، دیوانی و مالک چیزی نمایان بود. اما ترکیب این طبقات بیش از یک یا دو نسل دوام نمی‌آورد. حتی طبقه بازرگان جامعه ایران که دارای مالکیت و موقعیت اجتماعی بودند عمری کوتاه داشتند. دقیقاً به این سبب که امتیازات چیزی شخصی شناخته می‌شد و در شمار حقوق اجتماعی موروثی و نقض‌ناشدنی نبود. موقعیت صاحبان رتبه و ثروت جز در موارد معدود، حاصل توارثی درازمدت (بیش از دو نسل قبل) نبود و اینان انتظار نداشتند که وارثانشان بنابر حقی بدیهی در این موقعیت باقی بمانند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۹). البته به نظر می‌رسد بخشی از ناپایداری اجتماعی در ایران برآمده از نبود قانون، هنجار و قواعد مقبول بین مردم و حکومت و شرایط فقرآلود حکومت بوده که به سمت مردم خود درازدستی و به اموال و دارایی آنها

تجاوز می‌کرده و جامعه نیز منتظر فرصتی بوده که سر ناسازگاری با حکومت را در اولین فرصت پیش‌آمده در در پیش‌گیرد و زمانی که بهترین موقعیت برای سرنگونی حکومت فراهم می‌شد پا پیش گذاشته و آن را بر زمین بزند و حکومت دیگری آغاز شود و این رویه قرن‌ها ادامه یافته است.

۳-۳. ریشه‌های ژئوپلیتیکی اقتصاد ناپایدار ایران

تیلور جغرافیدان سیاسی انگلیس در مقاله‌ای تاریخی؛ دولت مدرن را به مثابه یک ظرف تشبیه کرد که سیطره آن بر پایه واقعیت کاملاً جغرافیایی قلمروخواهی استوار است. ایشان توسعه دولت را همانند ظرف ثروت بررسی کرده است؛ زیرا حکومت‌ها در دوران سوداگری و سرمایه‌داری برای حداکثر رساندن سهم خود از ثروت جهان رقابت می‌کردند. وی سپس نگاهی به تأثیر عواملی همچون جهانی شدن بر استقلال اقتصادی دولت می‌کند و درمی‌یابد که دولت‌ها با تشکیل سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و تلاش برای ایجاد ظرف‌های ثروت در مقیاسی وسیع‌تر از ثروت یک دولت واحد، به این چالش‌ها پاسخ می‌گویند، دولت نیز به عنوان ظرف ثروت در عصر جهانی شدن خواهان ظرف‌های (قلمروهای) وسیع‌تری است (میور، ۱۳۷۹: ۱۷۳).

یکی از مشکلات تاریخی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی که ایران را همواره عذاب داده و مانعی مهم برای پیوستن کشور به نظام اقتصاد منطقه‌ای و فرایند جهانی شدن اقتصاد بوده، این حقیقت است که دولت‌مردان ایران هرگز تا به امروز نتوانسته‌اند کشور را به یک ظرف اقتصاد ملی پایدار تبدیل کنند و تداوم دهند، حال آنکه همه واحدهای سیاسی در گام اول یک ظرف ثروت ملی (اقتصادی)، در گام دوم یک ظرف قدرت ملی (امنیت) و سپس یک ظرف سازمان سیاسی و فرهنگی برای ملت خود هستند و این سه با تأثیر و تأثر از هم و برهم زمین‌تکامل و توسعه خود را فراهم و به حیات خود ادامه می‌دهند.

اگر به این مسائل توجه شود که ایران از دوران مشروطیت تا زمان اخیر پیوسته درگیر مبارزه برای تثبیت وضعیت سیاسی خود بوده و اینکه در جریان مبارزات و تحولات سیاسی کمتر فرصت پرداختن به مسائل اقتصادی را داشته، مسئله روشن تر می‌شود. چند سال پس از انقلاب مشروطیت آثار جنگ جهانی اول دامن‌گیر ایران شد و ورود قوای درگیر در جنگ و اشغال کشور، ایران را با بحران سیاسی و اقتصادی روبه‌رو کرد. هنوز از مصائب و مشکلات ناشی از آن خلاصی نیافته بود که دچار تحول سلطنت از قاجار به پهلوی می‌شود. بیست سال بعد جنگ جهانی دوم پیش می‌آید و کشور را نیز به سهم خویش درگیر می‌کند. ایران هنوز مسائل جنگ جهانی دوم و چالش اقتصادی و سیاسی را پشت سر نگذاشته بود که حوادث ملی شدن نفت پیش می‌آید و ادامه تحولات سال‌های ۱۳۴۰ و ... سرانجام تمام این دگرگونی‌ها به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی می‌انجامد. نوزده ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران درگیر یک جنگ تحمیلی هشت‌ساله با هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار به ادعای ایران و سازمان ملل متحد ۹۹ میلیارد دلار خسارت مستقیم و ۱۵۰ میلیارد دلار خسارت غیرمستقیم در مجموع ۲۴۹ میلیارد دلار برآورد کرد (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۱).

عظیمی می‌گوید: تمامی این مدت ایران از لحاظ ژئوپلیتیک ناپایداری روی آرامش و ثبات را ندیده که بتواند به مسائل اقتصادی و توسعه اقتصادی خود بپردازد (عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). این تحولات صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن‌شان یک پیامد حتمی دارد و آن این است که در جامعه‌ای که عمر متوسط تحولات ژئوپلیتیکی آن ۸ تا ۱۰ سال است هیچ‌گاه یک نظام اقتصادی پا نمی‌گیرد. یک حادثه مهم سیاسی چندین سال را صرف از بین بردن مبانی اقتصادی می‌کند که آن را قبول ندارد و چندین سال دیگر را صرف ساختن مبانی تازه می‌کند و از آنجاکه یک ساختار

اقتصادی تازه به زمان طولانی نیاز دارد این تحولات سیاسی سبب می‌شود که یک نظام اقتصادی تازه هیچ‌گاه تثبیت نشود و به مرحله بهره‌برداری نرسد (همان: ۱۵). در خصوص ویژگی ژئوپلیتیک ناپایدار داخلی ایران کاتوزیان می‌نویسد: برخلاف اروپا، در ایران انباشت دراز مدت سرمایه تجاری (می‌توانست به انباشت سرمایه فیزیکی کشاورزی و صنعتی راه برد) انجام نشد. انباشت سرمایه تجاری نیازمند چشم‌پوشی از مصرف حال - پس‌انداز است و پس‌انداز طولانی نیازمند وجود حداقلی از امنیت در فاصله زمانی معقول است. دارایی مالک در طول حیات و پس از مرگ او نباید در معرض خطر دست‌درازی خودسرانه باشد و پس‌اندازکننده باید انتظار حداقلی از ثبات را در آینده داشته باشد. طبقات پولدار ایران نمی‌توانستند روی دریافت چنین حمایت و امنیتی از جانب هیچ‌یک از گروه‌های اجتماعی حساب کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۵). براساس سه ملاک قابل اندازه‌گیری در جنگ تمام‌عیار، تأثیر و ژرفای نفوذ جغرافیایی جنگ و شمار اختلافات مهم و پایدار پیرامونی، از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۱۷ ایران همواره با رژیم صهیونیستی، لبنان، سوریه، کامبوج، آنگولا، کنگو، افغانستان، پاکستان و عراق در شمار کشورهای ناامن جهان و جزء کشورهای پرتهدید در عرصه جغرافیای سیاسی جهان بوده است. بنابراین اصول استقلال ملی، یکپارچگی سرزمینی و ارزش‌های اساسی و پایه‌ای آن همواره از جانب چندین کانون تهدید خارجی به شدت در خطر بوده است (دلفروز، ۱۳۹۳: ۳۶۴). مشکل بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی که از اصول اولیه توسعه و پیشرفت اقتصادی هر کشوری است تا به دوره اخیر نیز کشیده شده و جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه یک پدیده اقتصادی نبوده و انتقال از فاز امنیتی و ناپایداری ژئوپلیتیکی به فاز اقتصادی با مشکلات ساختاری همراه خواهد بود. به عنوان مثال در طول جنگ تحمیلی و ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، یک پدیده سیاسی - امنیتی بود و دوره سازندگی آقای

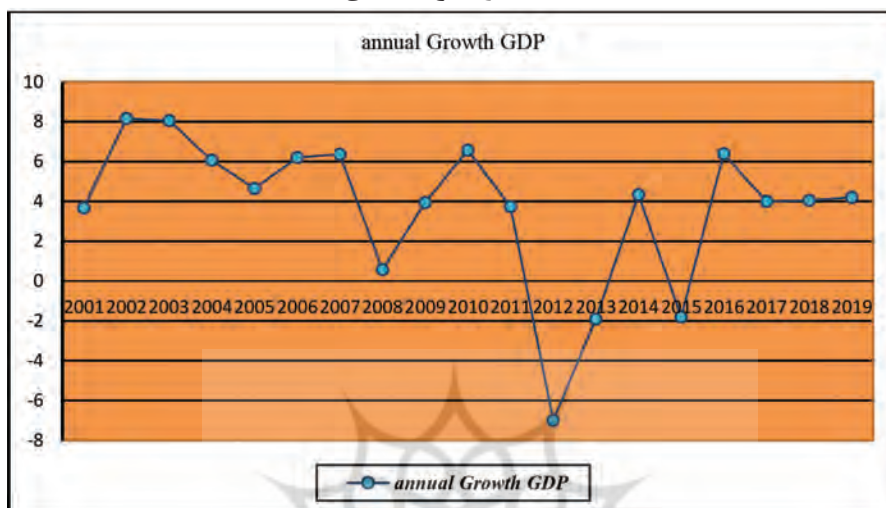
رفسنجانی نیز در کنار فعالیتهای سیاسی و امنیتی کشور حرکت کرد و در دوره دوم ریاست جمهوری ایشان، بسیاری از مسائل اقتصادی تحت الشعاع مسائل سیاست داخلی و امنیت بین‌المللی قرار گرفت و با تحریم‌های وسیع آمریکا روبه‌رو شد. اینکه جمهوری اسلامی ایران یک پدیده اقتصادی نبوده، نه تنها با خاستگاه ایدئولوژیک آن تطابق دارد بلکه با پایگاه طبقاتی رجال سیاسی و ابزاری آن نیز سنخیت دارد (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۱۲۳). تحولات ژئوپلیتیک بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بر روی بی‌ثباتی اقتصادی ایران تأثیرگذار بوده است. با فروپاشی برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک و افزایش اتهام‌زنی آمریکا به ایران شاخص کل بازار سرمایه ایران بیش از ۴ درصد افت کرد. حمله نظامی آمریکا به افغانستان باعث کاهش ۲/۵ درصدی شاخص کل شد و با قرار گرفتن ایران در محور شرارت از سوی جرج بوش طی دو مرحله، شاخص کل بورس تهران ۳/۵ درصد کاهش یافت. مناقشه آمریکا و ایران نیز سبب شد که شاخص کل بورس تهران طی چهار مرحله ۱۷ درصد کاهش یابد. همچنین تصویب قطعنامه ۲ مهر ۱۳۸۴ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران باعث شد که در مدت چهار روز شاخص بورس تهران بیش از ۳۶۳ واحد کاهش یابد. به این ترتیب ارزش سهام شرکت‌های بورس در مجموع یک هزار میلیارد تومان کاهش یافت (نوشادی و همکاران ۱۳۸۵: ۱۰۵۰).

یکی از اشکالاتی که در افکار دولت‌مردان ایران از ابتدا تاکنون می‌توان دید این بوده که مقوله امنیت ملی سخت‌افزاری و تهدید ایران موضوعی منطقه‌ای (اسرائیل)، و فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلیس ...) است. بنابراین باید ایران بیشتر بر روی پدیده‌های سخت‌افزاری تأمین امنیت و در ساخت سلاح و جنگ‌افزارها تلاش کند. باید گفت در نظم موجود منطقه‌ای و جهانی، امنیت ملی هر کشوری تا حدودی از طریق تلاش برای کسب و افزایش ثروت ملی، رفاه ملی و در پناه آن رضایت و حمایت ملی آسان‌تر

ممکن می‌شود تا از مسیر ساخت و تجمیع امکانات سخت‌افزاری تأمین امنیت ملی. این واقعیت امروزه از طریق همکاری منطقه‌ای و جهانی تا حدودی بهتر امکان‌پذیر می‌شود تا با گام‌های انفرادی. هرچند این بحث نمی‌تواند منکر تأمین منابع و تجهیزات مورد نیاز امنیت ملی کشوری مانند ایران باشد، زیرا هیچ کشور مستقل و قدرتمندی در فراهم کردن امنیت ملی خود در طول تاریخ به کشورهای دیگر متکی نبوده است و ایران مستقل و مقتدر نیز از این قاعده مستثنا نیست. از سوی دیگر نمی‌توان فعالیت‌های اقتصادی، تولید ملی و رفاه ملی را به بهانه تأمین امنیت، نادیده گرفت و با یک نگاه حداکثری به امنیت ملی، اقتصاد ملی را تحت‌الشعاع آن قرار داد. می‌توان گفت تنش مداوم میان نهادها از ویژگی‌های ثابت عرصه سیاست در ایران است که خواه‌ناخواه ناکارآمدی در تولید تأثیر خود را بر فعالیت اقتصاد ملی و فرایند توسعه ملی بر جای گذاشته است. دولت‌مردان ایران تاکنون نتوانسته‌اند به یک اجماع ملی و بین‌بخشی بر سر هدف سترگی به نام توسعه اقتصادی و شیوه تحقق آن دست یابند و چالش بزرگ وجوه توسعه ایران امروز به یک تهدید ملی برای نظام سیاسی تبدیل شده است. فریدمن و ژاکوب معتقدند: بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا و غرب صدای اقتصاددانان بسیار رساتر از صدای سیاست‌مداران شنیده شد و سیاست‌مداران تابع برنامه‌های اقتصاددانان شدند (Friedman and Jacob, 2017). اقتصاد ایران تاکنون هیچ‌گاه توسط اقتصاددانان توانا کالبدشکافی و آسیب‌شناسی نشده و همواره سایه سنگین سیاست‌مداران و سودجویان آن را عذاب داده که نتیجه آن نمودار زیر است.

نمودار ۱. رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹ و بی‌نظمی

شدید و غیراقتصادی



Source: World Bank, 2019-2020.

۳-۴. ریشه‌های ناتوانی امروز حکومت در نجات اقتصاد ملی

یکی از اهداف اقتصادی همه دولت‌مردان، توسعه اقتصادی و افزایش ظرفیت تولید، درآمد ملی، افزایش تولید ناخالص داخلی و در همین راستا افزایش اشتغال و کاهش بیکاری است؛ اما در کشور ما نزدیک به دو سده است که حکومت نتوانسته چنین برنامه‌ای را به نحو مطلوب محقق کند. می‌توان گفت یکی از دلایل عدم اولویت برنامه‌های اقتصادی نسبت به برنامه‌های امنیتی ناپایداری ژئوپلیتیک کشور بوده است. آمارها نشان می‌دهد طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ایران در زمینه ریسک ملی (مجموع ریسک‌های سیاسی، سیاست‌گذاری اقتصادی و ...) هم در سطح جهانی رتبه نامناسبی را داراست و هم در سطح خاورمیانه که ریسک‌اش از سایر نقاط جهان بالاتر است. در سال ۲۰۱۵ رتبه ریسک کشور ۷ از ۷ بوده است یعنی یکی از کشورهای پرخطر از نظر سرمایه‌گذاری خارجی که طی سه دهه اخیر موتور پرتحرک توسعه

کشورها محسوب می‌شده، را به خود اختصاص داده است. این عدد در سال ۲۰۱۹ با یک عدد کاهش به ریسک ۶ رسیده که اگرچه اندکی چشم‌انداز مثبتی را در اقتصاد و سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرد، اما کشورهای زیادی در جهان وجود دارند که ریسک آنها زیر دو و حتی کمتر از این است (آسیای شرقی، هند، اروپای شمالی و ...). ریسک بالای ایران، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای اقتصاد ایران را فراهم می‌کند. براساس گزارش انکتاد در سال ۲۰۱۷ میزان سرمایه‌گذاری خارجی ایران از کل سرمایه‌گذاری خارجی جهان که ۱۴۲۹ میلیارد دلار بوده، ۵ میلیارد و ۱۹ میلیون دلار بوده که معادل ۰/۳۵ درصد است. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (انکتاد) در جدیدترین گزارش خود در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سال ۲۰۱۸ با افت ۳۰ درصدی نسبت به سال قبل از آن به ۳ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار رسید. این رقم در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۱ درصد کاهش یافته و به ۱,۳۴۲,۰۰۰,۰۰۰ رسیده است (Unctad, 2020). اقتصاد ایران طی عمر پرفراز و نشیب خود در سال ۲۰۰۲ به بالاترین سطح رشد اقتصادی این دو دهه یعنی رشد ۸ درصدی دست یافت که بخش عمده‌ای از این رشد به دلیل افزایش قیمت نفت و صادرات بالای نفت است، اما ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۲ به رشد منفی ۷/۵- درصد سقوط می‌کند، این رشد منفی به مدت ۴ سال ادامه می‌یابد (تا سال ۲۰۱۵). کشور مجدداً در سال ۲۰۱۶ به رشد بالای ۶ درصد می‌رسد و در سال (۲۰۱۸) دوباره رشد منفی دامن اقتصاد کشور را گرفت و به ۱/۵- درصد رسید. گزارش بانک جهانی با بررسی شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۹ به نرخ رشد ۳/۶- و در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به رشد ۱/۱ درصد دست یافته اما در سال ۲۰۲۲ رشد اقتصاد ایران دوباره مثبت شده و به نرخ رشد ۲/۹ درصد و تراز حساب‌های جاری ایران به مثبت ۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. همچنین پیش‌بینی این بانک در خصوص رشد تولید

ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۳ این است که دوباره روند نزولی خواهد داشت و به رشد ۲/۲ درصد و در سال ۲۰۲۴ به رشد ۱/۹ درصد خواهد رسید (World Bank, 2020-2024). سازمان توسعه و تجارت (انکتاد) سازمان ملل متحد اعلام کرد که ایران در سال ۲۰۱۹ با تورم ۳۴/۹ درصد و رشد منفی ۲/۹- درصد سال را سپری کرده است (UN, 2019). بی‌نظمی در رشد اقتصادی اولین تأثیر خود را بر تولید ناخالص داخلی کشور می‌گذارد. تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۶۵۰ میلیارد دلار بوده، حال آنکه یک سال بعد با آغاز تحریم‌های سازمان ملل به سرعت کاهش می‌یابد و در سال ۲۰۱۹ به کمتر از ۴۵۴ میلیارد دلار سقوط می‌کند (World Bank, 2020). با پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۹ با کاهش ۹۷ میلیارد دلاری به حدود ۳۳۴ میلیارد دلار رسید (IMF, 2019). بانک جهانی در آخرین گزارش خود تولید ناخالص داخلی واقعی ایران را در سال ۲۰۲۰ براساس نرخ تورم ۱۹۲ میلیارد دلار اعلام کرده است (World Bank, 2021).

این آمارهای متفاوت به درستی نشان می‌دهند که هیچ اقتصادی به بی‌ثباتی ایران در خاورمیانه وجود ندارد و از معدود کشورهای جهان است که اساساً یک واحد اقتصادی نیست و دغدغه ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی و چالش‌های داخلی ناشی از شرایط بد اقتصادی هنوز حکمرانان ایران را به چاره‌اندیشی برای نجات اقتصاد ملی و ورود به فاز اقتصادی و اولویت چالش‌های اقتصاد و اینکه امنیت اقتصادی مهمترین بُعد امنیت ملی است را باور ندارند و کار مطلوب اقتصادی در این خصوص انجام نداده‌اند. ویژگی «پاسخگو نبودن قدرت در برابر مسئولیت، خصوصیت تاریخی - سیاسی رفتار حکومت‌ها در ایران است. به گفته فاضلی: سنگینی سایه و شبخ نظارت‌های امنیتی و شبه‌امنیتی و گستردگی آنها در سراسر کشور، فرورفتن جامعه در لاک خود به دلیل فقر رو به فزونی و محافظه‌کار شدن مردم، بهترین شرایط را

برای حکومت جهت عدم پاسخگویی رفتار و کارکرد اقتصادی و غیراقتصادی خود در برابر مردم فراهم می‌کند (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲). امروزه دولت ایران با حجم عظیمی از قدرت و منابع اقتصادی و سیاسی و به دلیل برخوردار بودن از منابع انرژی، معدنی و غیرمعدنی برای فروش و توزیع آن بین مردم و توانایی مالی لازم برای حضور و نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی و سیاسی در مناطق پیرامونی ایران، نگاه به بیرون را در صورتی می‌تواند تداوم دهد که مشکلات داخلی مانند فقر، تورم، بیکاری و اشتغال را مرتفع کند. جدول ذیل میزان اشتغال دولت‌های پس از انقلاب را نشان می‌دهد.

جدول ۳. تعداد آرایش شاغلین طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۵۵

سال	تعداد شاغلین به میلیون نفر	افزایش میلیون نفر	درصد رشد
۱۳۵۵	۸/۸	-	-
۱۳۶۵	۱۱	۲/۲	۲۵/۰
۱۳۷۵	۱۴/۶	۳/۶	۳۲/۷
۱۳۸۵	۲۰/۸	۲/۶	۴۵/۶
۱۳۹۰	۲۰/۵	-۰/۳	-۱/۴
۱۳۹۵	۲۲/۶	۲/۱	۱۰/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.

جدول بالا این نکته را متذکر می‌شود که در همه مقاطع سنی تعداد شاغلین افزایشی نامتوازن داشته است. دوران مطلوب افزایش اشتغال بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بوده که به‌طور متوسط سالیانه ۶۲۰ هزار شغل ایجاد شده و در مجموع طی ۱۰ سال ۵/۴۲ درصد بر تعداد مشاغل افزوده شده است. دوران نامناسب اشتغال ملی نیز بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بوده که نه تنها شغلی اضافه نشده بلکه از مشاغل موجود گذشته نیز سیصد هزار شغل نیز کم شده است. این دوره مصادف است با فروش دوسوم

تاریخ ۱۲۰ ساله نفت ایران یعنی حدود ۶۲۰ میلیارد دلار (گزارش مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲). از این رو دولت نهم باید بیش از چهار برابر دولت اصلاحات اشتغال ایجاد می‌کرد، زیرا ۴/۲۵ برابر این دولت نفت فروخته بود؛ در حالی که میزان فروش نفت دولت اصلاحات ۱۵۴ میلیارد دلار بود (بانک مرکزی، ۱۳۹۵). امروزه نظام سیاسی و حکمرانی ایران با اعتراضات اجتماعی و سیاسی به دلیل چالش‌های اقتصادی مانند افزایش تورم ۴۶/۳ درصدی در دی‌ماه (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱) و فقر رو به گسترش کشور که عمدتاً طبقه محروم و متوسط (۱۳/۹ میلیون نفر یارانه‌بگیر از این دو طبقه) هستند (گزارش وزارت کار، ۱۴۰۱) مواجه شده است. اصلاحات ساختاری باید در مسیر «تولید رضایت و ایجاد حمایت» اصلاح شود. ثبات و امنیت، نیازمند ارتقای رضایت شهروندان به ویژه برای گروه‌های به حاشیه رانده شده، فرودست، سرکوب شده و ناراضی است. اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی فراشیعی و فراایرانی است و تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار شده شک و تردیدی نیست. در این موضوع که ائتلاف آمریکا، هم‌پیمانان غربی و متحدان عربی - عبری آنها از هرگونه توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران کوتاهی نمی‌کنند نباید تردید کرد. باید راه مقابله و بازدارندگی تهدیدات آنها را یافت و به این توطئه‌ها غلبه کرد. سهم ناکارآمدی و بی‌لیاقتی مسئولان را نباید در سبد دشمنان محاسبه کرد (فاضلی، ۱۳۹۹). جدول ذیل رتبه اقتصادی ایران و کشورهای جهان را نشان می‌دهد.

جدول ۴. جایگاه اقتصاد ایران از بُعد تولید ناخالص داخلی در میان کشورهای جهان

کشورها	۲۰۱۷	سهام	رتبه‌بندی	۲۰۲۰	رتبه‌بندی
ایالات متحده	۱۹,۴۱۷,۱۴۴	۲۴,۹	۱	۲۳,۷۶۰	۱
چین	۱۱,۷۹۵,۲۹۷	۱۵,۱	۲	۱۷,۷۰۷	۲
کره	۱,۴۹۸,۰۷۴	۱,۹۲	۱۲	۱,۸۲۹	۱۲
اندونزی	۱,۰۲۰,۵۱۵	۱,۳۱	۱۵	۱,۶۱۶	۱۴
ترکیه	۷۹۳,۶۹۸	۱,۰۲	۱۷	۱,۰۳۲	۱۷
عربستان سعودی	۷۰۷,۳۷۹	۰,۹۰۷	۱۹	۸۳۷,۳	۲۰
امارات	۴۰۷,۲۱	۰,۵۲۲	۲۷	۵۴۱,۱	۲۷
نیجریه	۴۰۰,۶۲۱	۰,۵۱۴	۲۸	۶۵۶,۹	۲۲
ایران	۴۵۴	۰,۴۷۲	۳۱	۱۹۲	۵۱

Source: World Bank, 2020.

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده اقتصاد ایران به دلیل ژئوپلیتیک ناپایدارش به ویژه ژئوپلیتیک هسته‌ای طی مدت پانزده سال اخیر از اقتصاد هفدهم جهان که جایگاه کنونی ترکیه است به اقتصاد سی‌ام جهان و براساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ اقتصاد ایران با تولید ناخالص داخلی واقعی ۱۹۲ میلیارد دلاری در حال حاضر به رتبه ۵۱ جهان سقوط کرده است. با این آمار ایران جزء کشورهای با درآمد سرانه بسیار پایین محسوب می‌شود (World Bank, 2020). بعضی از کشورهای این جدول کوچک‌تر از یک استان ایران هستند، اما چند برابر ایران ظرفیت تولید ناخالص داخلی آنهاست (کره جنوبی و سنگاپور). از ۱۰ ابرچالشی که ایران در سال ۱۳۹۸ با آن درگیر بوده مانند ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی، بیکاری، فساد نظام‌مند، فقر و نابرابری، رکود و رونق اقتصادی دقیقاً نیمی از آنها اقتصادی است (JFS, 1398). چالش ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون به خصوص ژئوپلیتیک هسته‌ای همچنان دامن اقتصاد بدون رشد ایران را گرفته و رها نمی‌کند. همچنین اقتصاد ایران امروزه گرفتار ژئوپلیتیک ناپایدار خود به اشکالی دیگر شده و

حضور آمریکا، ناتو و اسرائیل در چارسوی مرزهایش بر هزینه‌های امنیتی و ناپایداری اقتصاد ایران افزوده و همچنان در چنبره‌ای از چالش‌های ژئوپلیتیک پیرامون و درون گرفتار آمده و اقتصاد ملی را بی‌ثبات و ناکارآمد کرده است.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

بنابر آنچه در این پژوهش گفته شد، ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون و درون ایران ناپایداری اقتصاد ملی را فراهم کرده است که در اینجا یک بار دیگر به آن می‌پردازیم. نخستین مؤلفه ژئوپلیتیکی که اقتصاد ملی ایران را ناپایدار و نابسامان کرده موقعیت ژئوپلیتیک ناپایدار و وضعیت چهارراهی بوده که در آن قرار داشته و از چهارسو مورد تاخت‌وتاز مهاجمان و کشورگشایان بوده است. از این رو دولتمردان مهمترین دغدغه خود را تأمین امنیت ملی می‌دانند و به دلیل موقعیت جغرافیایی مطلق و نسبی بحران خیزش در این منطقه ژئوپلیتیکی ناپایدار و پرمخاطره تاکنون نتوانسته‌اند بر چالش امنیت ملی متأثر از ژئوپلیتیک ناپایدار فائق آیند.

دومین مؤلفه ژئوپلیتیکی، جغرافیای خشک و کم‌توان و ظرفیت اقتصاد ایلی و کشاورزی کم‌رونق همسایگان و قلمروهای همجوار ایران که بستر ساز بخشی از یورش‌های ویرانگر و چالش‌سازی ژئوپلیتیکی به درون قلمرو ایران بوده است. اگر به جغرافیای عمومی و طبیعی شبه‌جزیره عربستان از منظر آب، خاک حاصلخیزی، کشاورزی و ظرفیت تأمین نیازهای معیشتی و زیستی مردم آن سرزمین بزرگ بنگریم بخشی از تهاجمات اعراب مسلمان، اقوام آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و ... از این مناطق به ایران بیشتر برای ما آشکار می‌شود و بستر ساز ناپایداری سیاسی و اقتصاد ملی و امنیت ملی را فراهم می‌کرده و به دلیل بی‌ثباتی اجازه شکوفایی و پویایی اقتصادی به کشور نمی‌داده است.

سومین مؤلفه ژئوپلیتیکی، فقدان ثبات داخلی است. ایران از دوران مشروطیت تا دوره اخیر همواره درگیر مبارزه برای تثبیت وضعیت و نظام سیاسی خود بوده و در جریان مبارزات و دگرگونی‌های سیاسی کمتر فرصت پرداختن به مسائل اقتصادی را داشته است. چند سال پس از انقلاب مشروطیت، آغاز جنگ جهانی اول، اشغال سرزمین ایران توسط قوای درگیر در جنگ، تحول سلطنت از قاجار به پهلوی، جنگ جهانی دوم، اشغال دوباره ایران، ملی شدن صنعت نفت، تحولات دهه چهل، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی هشت‌ساله، ژئوپلیتیک هسته‌ای و تحریم‌های سازمان ملل به ویژه آمریکا باعث شد که کشور دچار بی‌ثباتی، تزلزل و ناپایداری اقتصادی شود. تمامی این مدت چالش‌های ژئوپلیتیک ناپایدار داخلی مانع مهم آرامش و ثبات نظام سیاسی و اجتماعی ایران بوده و اجازه نداده با فراغ بال به مسائل اقتصادی و توسعه خود بپردازد.

چهارمین مؤلفه ژئوپلیتیکی عدم اولویت و برتری برنامه‌های اقتصاد ملی نسبت به برنامه‌های امنیت ملی است و همچنین یکی از چالش‌های مهم در عرصه فعالیت‌های اقتصادی کشور و مانعی مهم برای پیوستن ایران به نظام اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد جهانی، فقدان چنین اولویتی بوده است. بر مبنای چنین واقعیت اقتصادی، دولت‌مردان ایران از ابتدا تاکنون نتوانسته‌اند کشور را نخست به یک ظرف اقتصاد ملی پایدار مانند تمام واحدهای سیاسی مستقر در جهان تبدیل کنند و تداوم دهند. به یقین می‌توان گفت حداقل اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر چنین وضعیتی را تجربه نکرده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامون و نزاع‌های داخلی ایران هزینه امنیت ملی را طی سده‌های متوالی افزایش داده به طوری که بی‌ثباتی اقتصاد ملی و ناکارآمدی توسعه

ملی را به دنبال داشته است. مناطق آسیای جنوب غربی و جنوبی، آسیای مرکزی به جهت ویژگی‌های اقتصاد کشاورزی و شرایط طبیعی و منابع آب و خاک کاملاً فقیر، کم‌توان و متفاوت نسبت به ایران، زمینه‌ساز تهاجم به قلمرو سرزمینی و جامعه ایرانی بوده است. حال آنکه اروپا پس از رنسانس تا آغاز جنگ جهانی اول بیش از چهار قرن در صلح و ثبات به سر برده و زیرساخت‌های اقتصاد خود را آرام‌آرام بنا کرد، اما ایران درگیر ژئوپلیتیک ناپایدار پیرامونی خود بوده و به‌طور متوسط هر پنج سال و نیم (۴۴۴ بار) با یک جنگ ویرانگر مواجه بود، به‌گونه‌ای که امکان شکل دادن به بنیان‌ها و زیرساخت‌های یک اقتصاد کارآمد در شرایط ناامن فراهم نمی‌شد و همواره دغدغه امنیت ملی نزد دولتمردان بیش از ثبات اقتصادی و توسعه بوده است. با نگاهی به عمر حوادث و بحران‌های امنیتی - نظامی، اقتصادی و سیاسی اوایل قرن بیستم تاکنون به‌طور مرتب پیرامون و درون ایران از تغییر سلطنت و حکومت، دو جنگ جهانی، تغییر سلطنت از پهلوی اول به دوم، حوادث دهه چهل، پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحریم‌های پس از جنگ، چالش هسته‌ای و برجام، حضور آمریکا، اسرائیل و ناتو پیرامون مرزهای ایران، انواع چالش‌های ژئوپلیتیک پیرامون و درون ایران بوده تا اقتصاد ملی ایران سامان نیابد و اقتصاد بی‌ثبات و متزلزل روزگار را تا به امروز سپری کند. ناتوانی ایران در رشد شاخص‌های اقتصادی به دلایل بالا زمینه‌ساز کم‌توانی در تولید ثروت و مازاد در درون کشور و سبب ناتوانی در ایجاد اشتغال و حل مشکل بیکاری و فرایند توسعه ملی را به عقب رانده است. می‌توان گفت مسبب بخش عمده‌ای از چالش‌های اقتصادی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی است و هزینه‌های فراوانی که این ویژگی‌ها بر زیست اقتصادی تحمیل کرده و اولویت گفتمان امنیت بر اقتصاد اجازه نداده تا ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور حاکم شود. از این رو باید در پناه ثبات ژئوپلیتیکی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی که حکومت

واکاوی نقش ژئوپلیتیک ناپایدار ایران بر اقتصاد سیاسی کشور _____ ۱۳۷

از درون جامعه و برون مرزهای ملی و نظام بین‌المللی ایجاد می‌کند اقتصاد مبتنی بر مشارکت مردم بنا شود تا کشور به ثبات اقتصادی برسد.



منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). گزارش اقتصادی.
۲. دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران، انتشارات نگاه.
۳. زارعی، بهادر (۱۳۹۷). «بررسی واقع‌گرایی ایرانی از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، فصلنامه جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، ش ۲.
۴. زارعی، بهادر (۱۴۰۰). نگاهی نو به توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). روزگاران، تهران، انتشارات علمی.
۶. سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلانیت و آینده توسعه‌نیافتگی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۷. شعبانی، رضا (۱۳۹۴). ایرانیان و هویت ملی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۸). ملت، دولت و حکومت قانون، تهران، انتشارات مینوی خرد.
۹. عباسی‌سمنانی، علیرضا (۱۳۹۲). «موقعیت ژئوپلیتیک ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهانی»، فصلنامه سپهر، دوره ۲۲، ش ۸۶.
۱۰. عظیمی، حسین (۱۳۹۶). اقتصاد ایران امروز، تهران، انتشارات نی.
۱۱. غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۷). محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). «بیست نکته درباره حوادث آبان ماه»، سایت تلگرام، ۹۸/۹/۹.
۱۳. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان، تهران، انتشارات نی.
۱۴. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۱). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران، نشر مرکز.
۱۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۶). ایران جامعه کوتاه مدت، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، نشر نی.
۱۶. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح، تهران، انتشارات انتخاب.

۱۷. کریمی پور، یدالله (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان* (منابع تنش و تهدید)، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.

۱۸. مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۲). گزارش اقتصادی.

۱۹. مرکز آمار ایران سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۴۰۱.

۲۰. میور، ریچارد (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۲۱. نوشادی، محمود و همکاران (۱۳۸۵). «تحولات سیاسی و تأثیر آن بر کارکرد بورس»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد ایران در گام نهم، تهران، ترمه.

22. Climate Temps. com (2020).

23. Friedman G and L. Jacob (2017). "The Geopolitics of 2017 in 4 Maps", https://geopoliticalfutures.com/wpcontent/uploads/2015/11/ME_logo_large.jpg.

24. Unctad (2019) . *Helps Strengthen International Trade Statisticians' Skills and Capacity, for a Continuous Flow of High-quality Statistics Amid Pandemic-induced.*

25. www. JFS (1398).

26. www. IMF, com (2019).

27. www. UN (2019).

28. www. World Bank (2020).

29. www. World Bank (2019-2020).